دانش
داروهای موثر بر عروق کرونر قلب ۲۸

دانش
تأثیر زیانبار چربی‌های اشباع شده ۲۸

خانه
کاسنی ۲۹

جامعه
مقاوم‌سازی دولتی ۳۰

عکس: مهدی حسنی، شرق

گزارشی از فعالیت گروه‌های NA در ایران

بیداری روحانی

حمید ابراهیم‌زاده: «من افشین هستم یک معتاد، یک‌ساله که پاکم.» صدا زیر درختان کهنسال پارک و در سایه روشن برگ‌های سبز و پرطراوت آن افتاد و بعد ساکت شد. تمام آنهایی که اطراف این پسر ۲۵ساله بلندقد و شیک‌پوش نشسته‌اند لبخندی بر لب دارند و در نگاهشان هیچ نشانی از حسادت و حسرت نیست. امروز جشن تولد است. تولد یک‌سالگی افشین ۲۵ساله. تنها جایی که می‌توان چنین جشن تولدی را برگزار کرد میان اعضای گروه «معتادان گمنام» است.

«Narcotics Anonymous» که به اختصار NA نامیده می‌شود همان گروهی است که در ایران با نام «معتادان گمنام» مشهور است. NA را می‌توان یکی از بزرگترین NGOهای دنیا قلمداد کرد که در رسیدن به اهداف خود موفق بوده است. تنها چیزی که برای عضویت در NA نیاز است «آرزوی قطع مصرف مواد مخدر» است. در این گروه‌ها اعضا یکدیگر را به صورت منظم ملاقات می‌کنند تا به همدیگر برای پاک ماندن کمک کنند. «پاک» به معنی پرهیز شخص از مصرف هرگونه موادی است که حالت جسمی و ذهنی انسان را دگرگون می‌کند. عضویت در NA رایگان است و این گروه هیچ گونه حق عضویتی ندارد.

NA برداشتی از AA یا Alcoholics Anonymous است. بنیاد «الکلی‌های گمنام» یا AA به وسیله دو الکلی به نام‌های بیل ویلسون و دکتر باب اسمیت پایه‌گذاری شد. ویلسون طی تجربیات شخصی‌اش پی برد که الکلی‌ها می‌توانند به وسیله به‌کارگیری پایه‌های روحانی به صورت چشمگیری بهبود یابند. در بسیاری از «الکلی‌های ناامید» تجربیات مذهبی و روحانی باعث بازگشت آنها به سوی بهبودی و قطع مصرف الکل بوده است. راهی که به وسیله بنیانگذاران AA مطرح شد براساس حل مشکل دیرینه آنها در اعتیاد به الکل یعنی نداشتن اطمینان، سرخوردگی و بی‌ایمانی بود. «جیمی کینون» در اواخر دهه ۴۰ میلادی NA را که برداشتی از اصول و مرام AA بود پایه‌گذاری کرد. برنامه NA به طور رسمی در سال ۱۹۵۳ میلادی در لس‌آنجلس پایه‌گذاری شد که ابتدا به صورت یک حرکت کوچک به کار خود ادامه می‌داد در حالی که امروز به عنوان یکی از بزرگترین و قدیمی‌ترین سازمان‌های ترک اعتیاد در دنیا شناخته می‌شود. در ۱۴ سپتامبر ۱۹۵۳ آنها نامه‌ای از بیل ویلسون بنیانگذار AA دریافت کردند که می‌توانند از اصول و سنت‌های «الکلی‌های گمنام» استفاده کنند ولی نه به اسم AA. بعد از آن سازمان رسماً نامش را به NA (معتادان گمنام) تغییر داد. گروه NA در اوایل تاسیس به شدت تحت فشار بود. قانونی در آمریکا هرگونه نشست و برگزاری میتینگ به وسیله معتادان را جرم تلقی می‌کرد. بنابراین NA که براساس گردهمایی معتادان شکل گرفته بود عملاً غیرقانونی بود. در اوایل تشکیل این گروه بسیاری از معتادان در اطراف محل برگزاری نشست‌ها نگهبانی می‌دادند تا به وسیله پلیس دستگیر نشوند در حالی که امروز بیش از ۲۱۵۰۰ گروه ثبت شده NA با بیش از ۳۳۵۰۰ نشست هفتگی در ۱۱۶ کشور دنیا وجود دارد.

افشین باید حرف بزند. برای این جمعی که همگی درد مشترک دارند. از رنج‌ها، سختی‌ها، شادمانی‌ها و نگرانی‌هایش در این یک سال بگوید، یک سالی که در آن به گفته خودش «نه دوباره که برای اولین بار متولد شدم». در این جمع انگار هیچ نیازی به گفتن نیست. همگی حتی با کوچکترین اشاره حرف‌های همدیگر را می‌فهمند. افشین می‌گوید: «تنها جایی که سرم را بالا گرفتم و بدون احساس شرم، بدون اینکه نگران پیش‌فرض‌ها و هزار و یک جور فکر دیگر باشم گفتم من یک معتادم کنار دوستانم در این گروه بود. جایی که همه می‌فهمیدند که اعتیاد یک بیماری است.»

گروه‌های NA اعتیاد را به عنوان یک بیماری پیشرفته که اثرات آن بر روی تمام زندگی معتاد از نظر جسمی، ذهنی، احساسی و روحی مشاهده می‌شود تعریف می‌کنند. از نظر این گروه معتاد کسی است که زندگی می‌کند برای مصرف و مصرف می‌کند برای زندگی. به زبان خیلی ساده یک معتاد کسی است که زندگی‌اش تحت اختیار مواد مخدر است. یک معتاد از یک بیماری سه‌بعدی جسم، روح و روان در عذاب است. با این حال NA هیچ راهکاری برای ترک فیزیکی ندارد.

هر معتادی می‌تواند به وسیله یکی از روش‌های شناخته شده یا با معرفی آنها به یکی از کمپ‌های ترک اعتیاد به ترک فیزیکی بپردازد. هدف اصلی NA ایجاد تغییرهای رفتاری و کار کردن روی باورهای شخص معتاد برای در ترک نگه داشتن اوست. اصلی‌ترین مشکل معتادان بعد از ترک فیزیکی احساس ناامنی، پوچی و خلاء ناشی از ترک مواد مخدر است. NA به وسیله کمک درمانی یک معتاد به معتاد دیگر و در اختیار گذاشتن تجربه‌ها سعی در پر کردن این خلأها دارد. نشست‌های منظم که به وسیله گروه‌های NA تدارک دیده می‌شود پایه اصلی عضویت در NA است. در این نشست‌ها سعی و کوشش در انتقال تجربیات و ایجاد ارتباط نزدیک با معتادان است. تفاوت این گروه با گروه‌های دیگر در کوشش ویژه آن در برقراری یک شبکه دوستی از گروه‌هایی است که همدیگر را دوطرفه حمایت می‌کنند. به نظر NA بیماری اعتیاد می‌تواند در طول برنامه دوازده قدمی NA متوقف شده و بهبود یابد. در این دوازده قدم هیچ اشاره‌ای به استفاده از دارو نمی‌شود. این قدم‌ها با انتقال تجربیات روحانی و ارتباط برقرار کردن با «قدرت برتر» و تحت‌تاثیر قرار دادن عقده‌های روحی و روانی به بهبود معتاد کمک می‌کنند. علائم بیماری اعتیاد شامل عقده‌های روحی، اضطراب و ترس‌های درونی است. معتادان اغلب برای اولین بار زمانی وارد NA می‌شوند که به انتهای «امید زندگی» خود رسیده‌اند. وقتی که کاملاً احساس بی‌برنامگی، پوچی، سستی و تخریب‌شدگی می‌کنند. احساسی که تلخ‌تر از زندگی در زندان و حتی مرگ است. استفاده از مواد مخدر و وابستگی افراطی به آن بسیاری از معتادان را به قهقرا و آرزوی «لحظه‌ای پاکی» می‌رساند، چیزی که می‌تواند آنها را به زندگی جدیدی راهنمایی کند. مهمترین عامل در پیوستن به برنامه بهبودی NA احساس ضعف و ناتوانی شخص در برابر مواد مخدر است به همین علت به شدت توصیه می‌شود تا زمانی که شخص معتاد خود به این باور نرسیده از اجبار وی در پیوستن به این گروه اجتناب شود.

نشست‌های این گروه به دو نوع باز و بسته تقسیم می‌شود. هر کسی می‌تواند در نشست‌های باز شرکت کند ولی نشست‌های بسته محدود به کسانی است که اعتیاد دارند. نشست‌ها در محل‌های گوناگونی شکل می‌گیرند مانند پارک‌ها، مراکز گروهی و خلاصه هر جایی که بتوان در آن نشستی برگزار کرد. جلسات اغلب به صورت به اشتراک گذاشتن عقاید و انتقال تجربیات برگزار می‌شود. جایی که هر کسی می‌تواند عقاید شخصی خود را به عنوان یک معتاد با بقیه در میان بگذارد. در بسیاری از جلسات نیز وقت خاصی به برگزاری سالگرد تولد روز پاک بودن یکی از اعضا اختصاص می‌یابد. شخصی که به مدت زمان معینی پاک بوده است به وسیله اعلام این موضوع به گروه تشویق می‌شود. در برخی نشست‌ها برای سالگرد پاک بودن مدالیون یا تراشه‌های کوچکی که مدت زمان پاک بودن آنها بر روی آن درج شده است به اشخاص هدیه می‌شود. «ما اینجا جمع شدیم تا شاخ غول اعتیاد را بشکنیم.» افشین که دیگر هیچ نشانی از یک معتاد ندارد هنوز هم در معرفی خود می‌گوید: «افشین هستم، یک معتاد.» و در توجیه این موضوع این را یک یادآوری می‌داند که هرگز فراموش نکنند با قطع ارتباط با گروه و در تنهایی باز هم به ورطه اعتیاد خواهند افتاد. خدمت کردن یکی از اصلی‌ترین قسمت‌های پروسه بهبود در NA است. خدمت «کار درست کردن برای دلیل درست» است و بهترین مثال برای نشان دادن حسن نیت، چیزی که پایه اساسی رهایی در برنامه NA است. خدمت کردن می‌تواند به سادگی حضور در یک نشست یا جواب دادن به یک تلفن باشد. برای حفظ آنچه داری باید آن را به دیگران ببخشی. این شعاری است که پایه و اساس خدمت کردن را توجیه می‌کند. هر کسی با در اختیار گذاشتن تجربیات و توانایی‌های خود به دیگران در واقع خود را در فرآیند بهبودی به مراتب بالاتر و سطح ایمن‌تری می‌رساند. «مهم نیست که چه اندازه خوار و ذلیل بوده‌ایم، ولی ناظر فایده تجربیات خود برای دیگران خواهیم بود.» در این فرآیند «احساس بیهودگی و افسوس برای خود» از بین خواهد رفت.

در این جمعی که از دور و از پشت عینک‌های سیاه و سفید شاید نامتعارف و بسیار عجیب و غریب به نظر برسد متعارف‌ترین و زیباترین روابط در جریان است. هر کسی دوست دیگری است و بی‌هیچ چشمداشت و با تمام وجود انرژی و وقت خود را صرف دیگران می‌کند. افشین زندگی پرفراز و نشیبی داشته است ولی خودش می‌گوید: «هیچ تحولی در من به اندازه تحول روحانی که با اصول NA صورت گرفت قابل توجه نیست.» آدم پرخاشگر، عصبی و بی‌قیدی که هیچ اعتقاد معنوی نداشت امروز بدون ارتباط با «قدرت برتر» و بدون مهربانی نمی‌تواند زندگی کند و همه اینها را مدیون دوازده قدم NA می‌داند. قدم‌هایی که با تحت تاثیر قرار دادن وجدان انسان سعی در یک بیداری روحانی دارند. آدم‌هایی که اینجا جمع شده‌اند نه به گذشته تاسف می‌خورند و نه می‌خواهند آن را فراموش کنند. بلکه با تکیه به نیروی درونی خود که هیچ‌گاه آن را نشناخته بودند به دنبال یافتن راه جدیدی برای زندگی هستند. گروه معتادان گمنام هیچ فرقه و مسلک مذهبی نیست. این شیوه تنها یک برنامه روحانی برای بهبود بیماری اعتیاد است. در برنامه NA توسعه دادن یک ارتباط نزدیک با «قدرت برتر» بسیار مهم است. این شیوه توصیه می‌کند که اعضا درک خود را از «قدرت برتر» ملاک عمل قرار دهند. تنها راهبرد پیشنهادی گروه این است که این قدرت «محبوب» نگهدارنده و بزرگ‌تر از قدرت شخصی آدم‌ها است. اعضا کاملاً آزادند تا فهم و تصور خود را از «قدرت برتر» که برای آنها کارایی دارد در نظر بگیرند. اساس کار روحانی NA بر کار کردن دوازده قدم است که معمولاً به کمک یک راهنما که قبلاً این قدم‌ها را کار کرده است انجام می‌گیرد. قدم‌ها به معتادان برای دست یافتن به یک هوشیاری روحانی، احساسی و فکری کمک می‌کند. قدم‌های ابتدایی که به قدم‌های روحانی مشهورند بسیار مهم‌اند و در بالا بردن توانایی‌های شخص در مهار اعتیاد بسیار موثرند. در سه قدم ابتدایی آمده است: «۱- ما پذیرفتیم که در مقابل مواد مخدر عاجزیم و زندگی‌مان غیرقابل کنترل شده است. ۲- به این باور رسیده‌ایم که نیروی برتر از ما می‌تواند سلامت عقل را به ما بازگرداند. ۳- تصمیم گرفته‌ایم که اراده و زندگی‌مان را به مراقبت خداوند به آن گونه که او را درک می‌کنیم بسپاریم.» این عبارات تنها سرفصل‌های قدم‌ها هستند و هر کدام از این قدم‌ها توضیحات بسیار کاربردی و عملی دارد که با قرار گرفتن در فرآیند بهبودی و عمل به آنها شخص معتاد از مواهب آن بهره‌مند می‌شود. در این میان کمک رهجویان به همدیگر از اساسی‌ترین قسمت‌های پیشرفت در به‌کارگیری دوازده قدم است. به همین سبب توصیه شده که اعضای «معتادان گمنام» یک راهنما برای خود پیدا کنند. یک راهنما عضوی از NA است که به دیگر اعضا به‌وسیله درمیان گذاشتن تجربه‌ها و توانایی‌ها، امیدها و انتظاراتی که در راه بهبودی باید از خود داشت و ارائه راهنمایی‌هایی در راستای دوازده قدم کمک می‌کند. در قدم‌های چهارم و پنجم شخص ترازنامه‌ای اخلاقی، جست‌وجوگرانه و بی‌باکانه از خود تهیه می‌کند و چگونگی دقیق خطاهایش را در مقابل خداوند خود و یک انسان دیگر که اغلب راهنمای خود است اقرار می‌کند. این اقرار باعث نوعی تصفیه روانی می‌شود. رهجو در این حالت با در میان گذاشتن خطاهایش نوعی سبکی روحی و روانی را تجربه می‌کند و در واقع پالایش روحی می‌شود و برای مراحل بعدی طی طریق روحانی خویش آماده می‌شود. در قدم‌های ششم و هفتم شخص با آمادگی کاملی که از طی مراحل قبل به‌دست آورده از خداوند درخواست می‌کند تا کلیه نقایص و کمبودهای او را مرتفع سازد. در قدم‌های هشتم و نهم رهجو فهرستی از نام کسانی را که به آنها آزار رسانده است تهیه کرده و سعی می‌کند در هر کجا که امکان دارد از آنها جبران خسارت نماید. در قدم دهم رهجو به تهیه ترازنامه شخصی خود ادامه می‌دهد و هرگاه در اشتباه باشد سریعاً آن را می‌پذیرد. اما شخص معتاد که اینک به توانایی‌های بالقوه خود پی برده و مراحل بسیار سختی را از نظر روانی طی کرده است قدم‌های یازدهم و دوازدهم را برمی‌دارد تا به آزادی اندیشه و رستگاری روح برسد. در این قدم‌ها رهجو کوششی را برای تعمق هرچه هشیارانه‌تر و ارتباط نزدیک‌تر با پروردگار انجام می‌دهد و تلاش می‌کند تا آنچه را خداوند می‌خواهد دریابد و به انجام برساند و در نهایت به یک بیداری روحانی که در اثر این قدم‌ها به آن دست یافته برسد و پیام NA را به معتادان دیگر برساند. طی تمامی این مراحل شخص رهجو باید از نظر مصرف مواد مخدر «پاک» باشد. در نگاه افشین آرامش خاصی موج می‌زند. لبخند می‌زند و می‌گوید: «ما یاد گرفته‌ایم که فقط برای امروز زندگی کنیم و مشکلات همه عمر را به یک‌باره بر دوش نکشیم.» یکی از دلایل گرایش به اعتیاد احساس ناامنی، نارضایتی و زودرنجی است. افشین با اشاره به آدم‌های رنجدیده و مایوسی که وارد NA می‌شوند، می‌گوید: «ما سعی می‌کنیم که دیگر از مردم و ناامنی اقتصادی وحشتی نداشته باشیم. ما از خدا می‌خواهیم کارهایی را که نمی‌توانیم به تنهایی انجام دهیم برای ما انجام دهد.» افشین که لباس شیک و زیبایی پوشیده، می‌گوید: «هر عضو NA سعی می‌کند لباس مناسب بپوشد، آرام صحبت کند، رفتار مودبانه داشته باشد، انتقادپذیر باشد، عیب‌جویی نکند و فقط خودش را تغییر دهد نه دیگران را.» این تحولات بیرونی سرآغاز تحولات درونی است. NA نمونه‌ای از اشتراک دردها و تجربیات انسان‌هایی است که از هر اجتماعی طرد شده‌اند و تنها جایی که آنها را با همان هویت اصلی و بدون سرزنش می‌پذیرد گروه همدردان‌شان است. جایی که او را به واسطه معتاد بودن سرزنش نمی‌کنند و مجوز ورود هر کس به این جمع تنها آرزوی قطع مصرف مواد است. گمنامی یکی از سنت‌های روحانی NA است. اعضا در جلسات تنها خود را با نام کوچک معرفی می‌کنند. هیچ رهجویی نسبت به دیگری برتری ندارد و هیچ معتادی قادر به بهبودی نیست مگر با دوستی و پیروی از اصول روحانی. بنیاد «معتادان گمنام ایران» از دوازده سال پیش فعالیت خود را در ایران آغاز کرده است و تقریباً امروز در سراسر شهرهای ایران و حتی در بسیاری از روستاها مراکز و گروه‌های NA به فعالیت مشغولند که با مراجعه به سایت nairan.org می‌توان از ساعت و محل برگزاری جلسات در هر شهر اطلاع حاصل کرد.

«آدم معتاد نیازمند توجه است.» افشین با حرارت خاصی صدایش را بلند می‌کند که «بزرگترین هدف هر گروه NA رساندن پیام به معتادانی است که هنوز رنج می‌برند. پیام معتادان گمنام این است: راه دیگری هم برای زندگی وجود دارد.» افشین با اطمینان خاصی که در نگاه و کلامش موج می‌زند می‌گوید: «ما قول می‌دهیم هر معتادی می‌تواند ترک کند و آرزوی استفاده از مواد مخدر را فراموش کند و راه جدیدی برای زندگی بیابد. فقط اگر خودش بخواهد.»

عکس: میلاد بهامی، شرق

نگاه

بازنشسته شدن استادان دانشگاه با دو واکنش متفاوت

دکتر حسین رفیعی

مدتی است که بازنشسته کردن استادان دانشگاه‌ها در مطبوعات واکنش وسیعی پیدا کرده و اعتراض خیلی از روشنفکران و فرهیختگان جامعه و پاسخ مسئولان دانشگاه تهران و وزارت علوم را به همراه داشته است. تجلیل از استادان دانشگاه و اعتراض به بازنشسته کردن زودهنگام آنها، هر چند امر پسندیده و لازمی در یک جامعه علمی و فرهنگی است، ولی وقتی که شائبه حزبی و گروهی و انتخابی و سلیقه‌ای به خود می‌گیرد تبعیض‌آمیز و مصنوعی جلوه می‌کند. در این نوشتار سعی خواهم کرد منطقی که پشت این عمل وجود دارد را به چالش بکشم و ثانیاً ریشه‌های قانونی و شبه‌قانونی این رویه اداری را مطرح کنم و در پایان به عملکرد تبعیض‌آمیز معترضین اعتراض کنم.

■ سی سال خدمت یا ۶۵ سال عمر

مدیران دانشگاه‌ها، خدمت سی‌ساله و یا عمر ۶۵ساله اعضای هیات علمی را ملاکی برای بازنشستگان قرار می‌دهند. اگر یک عضو هیات علمی پس از سی سال خدمت و ۶۵ سال عمر و یا هر دو تای آنها به لحاظ روحی و جسمی توان کار داشته باشد و چون «کار» در دانشگاه متفاوت از کار در سایر حوزه‌ها است به نفع منافع ملی است که از این فرد هم استفاده شود. چیزی که در دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته مرسوم و معمول است. رابطه کار و تجربه یک رابطه خطی نیست. یک استاد مجرب با روزی ۲ ساعت کار می‌تواند کار یک فرد تازه‌کار در ۸ ساعت را انجام دهد. عقل اقتصادی ایجاب می‌کند که این رابطه شناخته شود و به نفع منافع ملی از آن استفاده شود. البته به شکل تبعیض‌آمیزی از این رابطه در موارد معدود استفاده می‌شود.

■ جوان‌گرایی در دانشگاه‌ها

در اینکه جوانان باید جایگزین «پیران» شوند، شکی نیست. ولی در دانشگاه‌ها با این رویکرد به طور کاملاً مکانیکی برخورد می‌شود. سئوال اصلی این است که این جوانان توسط همان «پیران» باید آموزش علمی و اخلاقی ببینند. با حذف بزرگترها، این جوانان از این آموزش‌ها محروم خواهند شد. این رویکرد در بطن خود یک استدلال دیگر هم دارد و آن اینکه حقوق بازنشستگی بازنشستگان را صندوق بازنشستگی می‌پردازد در صورتی که به هنگام کار به دانشگاه باید بپردازد و «با بازنشسته شدن هر استاد باسابقه، حداقل دو نفر استاد جوان را می‌توان به لحاظ حقوق دریافتی، جایگزین کرد.» این حسابگری کاسبکارانه، حتی در منطق سرمایه‌داری صرف جایگاهی ندارد، تا چه رسد به ما که ادعای فرهنگ و اسلام را داریم. از این گذشته سرمایه‌گذاری در بخش فرهنگ و دانشگاه، امری شناخته شده و ضروری است و در کشورهای مختلف به عنوان یک عامل زودبازده «تجاری» به آن نگاه نمی‌کنند. کشوری مثل هند سوبسیدی که به بخش تحصیلات عالی می‌دهد به مراتب از ما بیشتر و کاراتر است. نکته دیگر اینکه با ضربات و لطماتی که کل اخلاق اجتماعی ما خورده است، آیا جوانان بیشتر از «پیران» اخلاقی خواهند بود؟ و آیا جوانان که عمدتاً تحصیلکردگان داخلی هستند، عالم‌تر و داناتر از استادان مجرب تحصیلکرده خارجی هستند؟ و آیا فرآیند تربیت دانشجویان دوره دکترا در ایران به خوبی انجام شده است؟

■ ارتقای اعضای هیات علمی

عامل سوم بازنشستگی اعضای هیات علمی، توقف آنها در مرحله استادیاری یا دانشیاری است. این هم معیاری است که مربوط می‌شود به «آیین‌نامه ارتقای» اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها. چاپ مقاله ISI، بیشترین تاثیر را در ارتقا پیدا کرده است. اگرچه ISIزدگی در ماه‌های گذشته مورد نقد قرار گرفته و حتی ریاست دانشگاه تهران آن را برای علوم انسانی مورد تردید قرار داده است. اگر استادی بهترین مدرس و بهترین مولف باشد ولی مقاله ISI چاپ نکند، ارتقا نمی‌یابد! متاسفانه این رویکرد به یک آنومی تبدیل شده است که تاکنون لطمات زیادی زده است و ظاهراً هم قرار نیست از آن جلوگیری شود. اعتراض به این رویکرد در سال‌های اخیر بسیار گسترده بوده است و صفحات متعددی از روزنامه‌های یومیه و نشریات ادواری را به خود اختصاص داده، ولی توجهی به آن نشده است.

■ تبعیض در اعتراض

اعتراض فرهیختگان جامعه به بازنشسته کردن استادان دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه تهران و ادامه آن به موسسه تحقیقاتی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اگرچه کار شایسته و بایسته‌ای است ولی نمی‌توان از این امر غفلت کرد که در عین حال بسیار تبعیض‌آمیز و دیرهنگام است. در سال‌های گذشته و به استناد موارد قانونی و شبه‌قانونی فوق‌الذکر ده‌ها استاد برجسته دانشکده فنی و علوم و... دانشگاه تهران بازنشسته شده‌اند و از طرف این عزیزان اعتراضی شنیده نشد! هر چند ممکن است بازنشستگی فعلی آقایان علل گروهی هم داشته باشد. در سال ۱۳۸۳، آقایان دکتر «ر» (۶۰ساله)، دکتر «ع» (۶۰ساله)، دکتر «ب» (۵۹ساله) که پس از بازنشستگی دانشیار شد و قبل از آن پیشکسوتان شیمیدان ایران دکتر «ش» (پدر علم پلیمر ایران)، دکتر «ع» (استاد برجسته شیمی معدنی) و دکتر «س» (شیمیدان برجسته) به بهانه‌هایی چون سن، چاپ مقاله، عدم تبدیل رتبه و... در دانشکده علوم بازنشسته شده بودند در حالی که همه این عزیزان به لحاظ علمی و فیزیک بدنی در شرایط مناسبی قرار داشتند و اعجاب‌انگیز که یکی از آنها چند سال پیش با بورس دولتی Ph.D خود را از یک کشور خارجی گرفته بود و در شرایط مفید علمی قرار داشت.

این تبعیض در دانشگاه تهران بسیار به چشم می‌خورد که در بعضی از دانشکده‌های دانشگاه تهران اساتیدی با سن بیش از ۸۰ و ۹۰ سال هستند که بازنشسته نشده‌اند (و چه کار خوبی) ولی اساتیدی با ۲۰ سال جوان‌تر این «رافت» شامل حال آنها نشده است و با حکم بازنشستگی، دانشجویان از محضر آنها محروم شده‌اند!